

مناقب امیرالمؤمنین در «فردوس الأخبار»

علیرضا هزار*



ابو شجاع شیرویه بن شهردار بن شیرویه دیلمی همدانی، در سال ۴۴۵ق، زاده شد و در نوزدهم رجب سال ۵۰۹ق، درگذشت.^۱ از تاریخ زندگانی وی اطلاع چندانی در دست نیست. این قدر می دانیم که بسیار پُر سفر بوده است و به «کیا» از او یاد شده و در مدرسه «عالیه» همدان، درس می گفته است.

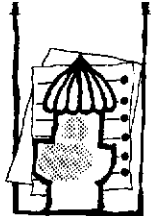
گروه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مراکز جامع علوم انسانی

برخی مشایخ وی از این قرارند:

۱. ابوالفضل محمد بن عثمان قومسانی،
۲. یوسف بن محمد بن یوسف مستملی،
۳. ابوالفرج علی بن محمد بن علی جریری بجللی،
۴. احمد بن عیسی بن عباد دینوری،
۵. ابو نصر زینبی.

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۰، ص ۳۷۵؛ معجم المؤلفین، ج ۴، ص ۳۰۹؛ الاعلام، الزرکلی، ج ۳، ص ۱۷۹.



نیز پاره ای از دانش آموختگان او به قرار زیرند:

۱. پسرش: ابو منصور شهردار،
۲. محمد بن فضل اسفراینی،
۳. ابو العلاء احمد بن محمد بن فضل حافظ عطار،
۴. ابو موسی مدینی،
۵. ابوطاهر سلفی.

او تاریخ را بسیار پاس می داشت و در فقه، بر مذهب شافعی بود.

مصادری که ذکر ابو شجاع در آنها شده است، سه کتاب را نیز بدو منسوب داشته اند که نامبردارترینشان: فردوس الاخبار بمآثور الخطاب المخرّج علی کتاب الشهاب است. دو کتاب دیگر، تاریخ همدان^۲ و ریاض الانس لعقلاء الإنس فی معرفة احادیث النبی (ص)^۳ هستند.

کتاب فردوس الاخبار بمآثور الخطاب، نزد اهل دانش، بسیار شهرت داشته است و بسیاری این کتاب را به ابو شجاع منسوب دانسته و ستوده اند.^۴

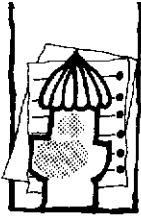
خود وی موضوع کتاب و هدفش را از تألیف آن، در مقدمه ای کوتاه، چنین بیان

می دارد:

فأنی لمّا رأیت أهل زماننا هذا أعرضوا عن الحدیث و أسانیده، و جهلوا معرفة الصحیح و السقیم و ترکوا الکتب التي صنّفها الأئمّة قديماً و حديثاً و اشتغلوا



۲. العبر، الذهبي، ج ۱۴، ص ۱۸؛ مرآة الجنان، اليافعی، ج ۳، ص ۱۹۸؛ كشف الظنون، ستون ۳۱۰.
- همچنین یاقوت حَمَوی در معجم البلدان از این کتاب، استفاده کرده است. به عنوان نمونه، ر.ك: البلدان، ج ۵، ص ۴۱۱ و ۴۱۷.
۳. نسخه خطی آن، در قاهره نگهداری می شود: فهرست مخطوطات قاهره، اول، ج ۵، ص ۶۴ و دوم، ج ۵، ص ۲۰۹؛ و هورویتز (Horovitz) نیز مطالب آن را در Msos (ج ۱، ص ۵۰۲) آورده است.
۴. طبقات الشافعية، تاج الدين السبكي، ج ۷، ص ۱۱۱؛ طبقات الحفاظ، الذهبي، ج ۴، ص ۱۲۵۹؛ الوافی، الصفدی، ج ۱۶، ص ۲۱۸؛ شذرات الذهب، ابن العماد، ج ۴، ص ۲۲؛ مرآة الجنان، ج ۳، ص ۱۹۸.



بالقصص والاحادیث المحذوفة عنها اسانیدها التي لم يعرفها ناقلوا الحديث، سيّما الموضوعات التي وضعها القصاص، اثبت في كتابي هذا عشرة آلاف حديث على سبيل الإختصار من الصحاح والغرائب والأفراد والصحف المروية عن النبي - صلى الله عليه وآله - في السنن، والآداب، والمواعظ، والأمثال، والفضائل، والعقوبات وغيرها، وحذفت اسانیدها، وحذوتها موبةً أبواباً على حروف المعجم، ومفصلةً فصولاً حسب تقارب الفاظ النبي - صلى الله عليه وآله - و ذكرت على رأس كل حديث منها رواية عن النبي - صلى الله عليه وآله - و سميتها الفردوس بمائور الخطاب. ٥

قضاعى و كتاب «شهاب الأخبار»

چنان كه گفته شد، ابو شجاع، كتاب فردوس الاخبار را بر اساس كتاب شهاب الاخبار ابو عبدالله محمد بن سلامة بن مسلم قضاعى شافعى (م ٤٥٤ق) به سامان كرد كه در ايام فاطمیان مصر، كاتب وزير آن ديار (على بن احمد جرجانى) بود. تالیفات قضاعى بدین قرارند:

١. المختار فى ذكر الخطط والآثار،

٢. الإنباء بآباء الأنبياء و تواریخ الخلفاء،

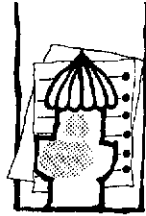
٣. الأنباء،

٤. دُرّة الواعظین و دُخر العابدین،

٥. شهاب الاخبار فى الحكم و الامثال و الآداب.

گفته اند كه كتاب شهاب الاخبار، از جامع ترين كتاب هاى است كه در موضوع اخبار، نگاهشته شده است. مناوى، اين كتاب را به ترتيب القبايى تنظيم کرده و احاديش را در كتابى با نام اسعاب الطلاب بترتيب الشهاب منتشر کرده است.





در پیرامون «مسند الفردوس»

ابو منصور شهردار دیلمی، پسر ابو شجاع دیلمی (صاحب فردوس الاخبار) بوده، که در کتابت، نشر و تدوین حدیث، گام بر گام پدر نهاده و ملازمش بوده است. او کتاب پدرش را به قالب مُسند برگردانید و بنا به تعبیر کاتب چلبی، طرحی را به بنیاد «ترتیباً حسناً» در افکند.^۶ این اثر، در چهار مجلد تنظیم شده است. ابن حجر عسقلانی نیز برای مختصر نگاری خویش از مسند الفردوس، عنوان تسدید القول فی إختصار مسند الفردوس را به کار برده است.^۷

*

در این مقاله کوشیده ایم تا با مطالعه دقیق تمامی پنج مجلد کتاب فردوس الاخبار، روایات مربوط به مناقب امیر مؤمنان علی(ع) را برگزیده، با ذکر مصادر و منابع حدیث، نقل نماییم. گفتنی است که در صورت دست نیافتن به مصدري متقن، ارجاع به خود فردوس الاخبار را بسنده دانسته ایم.

تعداد اندکی از روایات کتاب هم با آن که به تصریح و یا تلویح، ذکری از علی(ع) به میان آورده بودند، ولی به علت مشخص بودن تحریف در آنها، در گزینش ما جای نگرفتند.

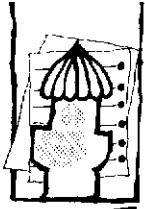
در ابتدای هر روایت، پیش از نام روای، دو شماره آمده است که نخستین آن، شماره احادیث در مقاله حاضر، و دیگری که داخل گروه آمده، شماره مسلسل احادیث کتاب فردوس الاخبار است.

می سزد که در پایان، از امکانات نیکوی موجود در کتاب خانه تخصصی امیرالمؤمنین علی(ع) مشهد که نگارنده را در مراحل گوناگون کار و به فرجام رساندن آن، مددی تام رسانید، یاد کرده، قدردانی نمایم.

۶. ر. ک: كشف الظنون، ستون ۱۲۵۴؛ الاعلام، ج ۳، ص ۱۷۹.

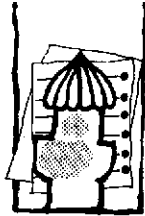
۷. شذرات الذهب، ج ۷، ص ۲۷۰؛ الاعلام، ج ۱، ص ۱۷۳.





١. [٣٩]. ابن عباس: «أَوَّلُ مَنْ صَلَّى مَعِيَ عَلِيٌّ».^٨
٢. [١٠٣]. ابن عباس: «أنا النذير، و عليّ الهادي، و بك يا عليّ يهتدي المهتدون».^٩
٣. [١٠٧]. عايشه: «أنا سيّد ولد آدم ولا فخر، و عليّ سيّد شباب العرب ولا فخر».^{١٠}
يعنى: لا أفتخر بالعطاء ولا بالنعيم، إنّما أفتخر بالمعطى و بالمنعم.
٤. [١٠٨] عبد الله بن مسعود: «أنا مدينة العلم و عليّ بابها».^{١١}
٥. [١٠٩]. جابر بن عبد الله: «أنا مدينة العلم و عليّ بابها، فمن أراد العلم فليأت الباب».^{١٢}
٦. [١١٠]. ابن عباس: «أنا ميزان العلم، و عليّ كفتاه، و الحسن و الحسين خيوطه، و فاطمة علاقته، و الأئمة من بعدى عموده يوزن به أعمال المحبّين لنا و المبغضين لنا».^{١٣}
٧. [١١١]. انس بن مالك: «أنا مدينة العلم و عليّ بابها».^{١٤}
٨. [١١٢]. ابن عباس: «أنا و عليّ من شجرة واحدة، و الناس من أشجار شتى».^{١٥}
٩. [١١٨] وهب بن صيفي: «أنا أقاتل عليّ تنزيل القرآن، و عليّ يقاتل عليّ تأويل القرآن».^{١٦}
١٠. [١٣٨]. ابن عباس: «أنا شجرة، و فاطمة حملها، و عليّ لقاحها، و الحسن و الحسين، ثمرتها، و المحبّون أهل البيت ورقها، من الجنة حقاً حقاً».^{١٧}
٨. مسند أحمد، ج ١، ص ١٤١؛ سنن الترمذي، كتاب ٤٦، باب ٢٠؛ فردوس الأخبار، ج ١، ص ٥٦.
٩. مسند أحمد، ج ٢، ص ٢٦٠؛ فردوس الأخبار، ج ١، ص ٢٤١.
١٠. حلية الأولياء، ج ١، ص ٤٦؛ فردوس الأخبار، ج ١، ص ٧٦.
١١. سنن الترمذي، ج ٤، ص ٣٢٩؛ تاريخ بغداد، ج ١١، ص ٢٠٤؛ فردوس الأخبار، ج ١، ص ٧٦.
١٢. تاريخ بغداد، ج ٤، ص ٣٤٨؛ فردوس الأخبار، ج ١، ص ٧٦.
١٣. فردوس الأخبار، ج ١، ص ٧٧.
١٤. همان جا.
١٥. كنوز الحقائق، ج ١، ص ٤٨؛ فردوس الأخبار، ج ١، ص ٧٧.
١٦. مسند أحمد، ج ٣، ص ٨٢؛ مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٣٣؛ كنز العمال، ج ٥، ص ٣٧؛ فردوس الأخبار، ج ١، ص ٧٩.
١٧. فردوس الأخبار، ج ١، ص ٨٤.





۱۱. [۱۵۴]. انس بن مالک: «إِنَّا مَعشَرُ بنی عبدالمطلب سادة أهل الجنة: أَنَا و

حمزة و جعفر و علیّ والحسن والحسين والمهدی».^{۱۸}

۱۲. [۱۹۷]. ابو سعید: «إِنی تارك فيكم الثقلين، احدهما أكبر من الآخر: «كتاب

الله، جبل ممدود من السماء إلى الارض، و عترتي، أهل بيتي، ولن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض».^{۱۹}

۱۳. [۵۵۵]. جابر: «إِنَّ الله - عزّ و جلّ - يباهي بعليّ بن أبي طالب، كلّ يوم ...

الملائكة المقرّبين، حتى يقول: بخ بخ، هنيئاً لك يا عليّ!».^{۲۰}

۱۴. [۶۱۶]. جابر: «إِنَّ الله - عزّ و جلّ - جعل ذرية كلّ نبيّ في صلّبه، و جعل

ذريّتي في صلب عليّ بن أبي طالب».^{۲۱}

۱۵. [۱۳۹۵]. جابر: «إِنما سمّيت ابنتي فاطمة، لأنّ الله - عزّ و جلّ - فطمها و فطم

محبّيتها عن النَّار».^{۲۲}

۱۶. [۱۴۹۴]. سلمان فارسي: «أعلم أمتي بعدي عليّ بن أبي طالب»^{۲۳}

۱۷. [۱۷۵۶]. عمّار بن ياسر: «أرضي من آمن بي، و صدّق بولاية عليّ بن أبي

طالب، فمن تولاه تولاني، و من تولاني فقد تولي الله - عزّ و جلّ -».^{۲۴}

۱۸. [۱۷۸۹]. ابن عباس: «عليّ منّي و انا منه. عليّ حيث يكون اكن، و حيث

أكون يكن».^{۲۵}



۱۸. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸ (كتاب الفتن، باب ۳۴، ح ۴۰۸۷)؛ فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۸۹.

۱۹. مسند أحمد، ج ۹، ص ۲۴۳؛ فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۹۸.

۲۰. فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲۱. الجامع الصغير، ج ۲، ص ۲۲۳؛ فيض القدير، ج ۲، ص ۲۲۴؛ فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲۲. فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۴۲۶.

۲۳. كنوز الحقائق، ج ۱، ص ۲۳؛ فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۴۵۱.

۲۴. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۹؛ فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۵۲۲.

۲۵. فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۵۳۱.

١٩. [١٧٩٠]. ابن عمر: «عليّ أبهاها وأوسمها»^{٢٦} - أي أصبح أمّتي. يقال: وجه

وسيم بين الوسائم، يعني صبيح -.

٢٠. [١٧٩١]. شذاد بن اوس: «عليّ أبهي أمّتي وأسمائها»^{٢٧}.

٢١. [١٨٦١]: «اللّهمّ أعنّه وأعنّ به، وارحمّه وارحمّ به، وانصرّه وانصرّ به. اللّهم

وال من والاه و عاد من عاداه!»^{٢٨} - يعني علياً -.

٢٢. [٢٢٧٨]. جابر بن عبد اللّهِ: «ثلاثة من كن فيه فليس منّي ولا أنا منه: بغض

عليّ، وبغض أهل بيّتي، ومن قال: الإيمان كلام»^{٢٩}.

٢٣. [٢٤٩٥]. جابر بن عبد اللّهِ: «حقّ عليّ بن أبي طالب على هذه الأمة، كحقّ

الوالد على ولده»^{٣٠}.

٢٤. [٢٥٤٣]. ابن مسعود: «حبّ آل محمّد يوماً، خير من عبادة سنة، ومن مات

عليه دخل الجنّة»^{٣١}.

٢٥. [٢٥٤٤]. ابن عباس: «حبّ عليّ بن أبي طالب يأكل الذنوب، كما تأكل النار

الحطب»^{٣٢}.

٢٦. [٢٥٥٤]. عمر بن خطّاب: «حبّ عليّ براءة من النّار»^{٣٣}.

٢٧. [٢٥٤٧]. معاذ بن جبل: «حبّ عليّ بن أبي طالب حسنة، لا يضرّ معها سيئة،

بغضه سيئة لا ينفع معها حسنة»^{٣٤}.

٢٦. همان جا.

٢٧. همان، ج ١، ص ٥٣١.

٢٨. مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٠٦؛ فردوس الاخبار، ج ١، ص ٥٥٤.

٢٩. فردوس الاخبار، ج ٢، ص ١٣٤.

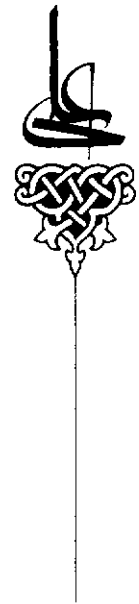
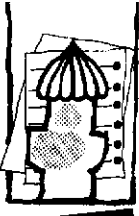
٣٠. همان، ص ٢١٠.

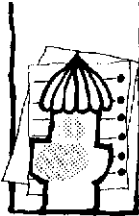
٣١. همان، ص ٢٢٦.

٣٢. همان، ص ٢٢٦.

٣٣. كنوز الحقائق، ج ١، ص ٦٦؛ فردوس الاخبار، ج ٢، ص ٢٢٦.

٣٤. فردوس الاخبار، ج ٢، ص ٢٢٧.

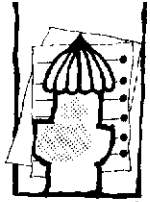




- ٢٨ . [٢٦٢٤] . ابو سعيد: «الحسن والحسين سيّدا شباب أهل الجنة». ٣٥ .
- ٢٩ . [٢٦٢٥] . ابن عمر: «الحسن والحسين ، هما ريحائتي من الدنيا». ٣٦ .
- ٣٠ . [٢٦٢٧] . عليّ بن أبي طالب [ع]: «الحسن والحسين يوم القيامة عن جنبتي عرش الرحمن ، بمنزلة الشنقين من الوجه». ٣٧ .
- ٣١ . [٢٦٢٨] . يعلى بن مُرّة: «الحسين منّي وانا من حسين أحب الله من أحبّ حسيناً. الحسين سبط من الاسباط». ٣٨ .
- ٣٢ . [٢٧٧٦] . سلمان: «خُلقت انا وعلّيّ من نور واحد ، قبل ان يخلق الله آدم ، ركب ذلك في صلبه ، فلم يزل في شيء واحد ، حتّى افترقا في صلب عبدالمطلب ، ففى النبوة و فى عليّ الخلافة». ٣٩ .
- ٢٣ . [٢٩٧٤] . عايشه: «ذكر عليّ عبادة». ٤٠ .
- ٣٤ . [٣٠١٨] . جابر بن عبدالله: «رايت عليّ باب الجنة مكتوباً: لا الله إلا الله ، محمّد رسول الله ، عليّ آخو رسول الله». ٤١ .
- ٣٥ . [٣٤١٧] . أم سلمه: «شيعة عليّ هم الفائزون يوم القيامة». ٤٢ .
- ٣٦ . [٣٦٠٩] . سلمان: «صاحب سرّي عليّ بن أبي طالب». ٤٣ .
- ٣٧ . [٣٦٨١] . داوود بن بلال بن هيثم: «الصدّيقون ثلاثة: حبيب النجّار و حزقيّل مؤمن آل فرعون ، و عليّ بن أبي طالب ، و الثالث أفضلهم». ٤٤ .

- ٣٥ . سنن الترمذى ، ج ١ ، ص ٤٤ ؛ مجمع الزوائد ، ج ٩ ، ص ١٧٩ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٢ ، ص ٢٥٦ .
- ٣٦ . صحيح البخارى ، ج ٥ ، ص ٣٣ ؛ مجمع الزوائد ، ج ٩ ، ص ١٨١ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٢ ، ص ١٨١ .
- ٣٧ . مجمع الزوائد ، ج ٩ ، ص ١٨٤ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٢ ، ص ٢٥٧ .
- ٣٨ . مسند أحمد ، ج ٤ ، ص ١٧٢ ؛ مجمع الزوائد ، ج ٩ ، ص ١٨١ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٢ ، ص ٢٥٧ .
- ٣٩ . فردوس الاخبار ، ج ٢ ، ص ٣٠٥ .
- ٤٠ . همان ، ص ٣٦٧ .
- ٤١ . همان جا .
- ٤٢ . همان ، ص ٥٤ .
- ٤٣ . كنوز الحقائق ، ص ٨٨ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٢ ، ص ٥٦١ .
- ٤٤ . الإصابة ، ج ٧ ، ص ٣٥٢ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٢ ، ص ٥٨١ .





۳۸. [۳۹۸۹]. سلمان فارسی: «علی بن ابی طالب ینجز عِداتی و یقضی دینی». ۴۵

۳۹. [۳۹۹۰]. عمران بن حُصَین: «علی منی و أنا منه، و هو ولی کلِّ مؤمن من

بعدی». ۴۶

۴۰. [۳۹۹۱]. ام سلمه: «علی و شیعته هم الفائزون یوم القیامة». ۴۷

۴۱. [۳۹۹۲]. جابر بن عبد اللہ: «علی منی بمنزلة هارون من موسى، إلا أنه لا نبيٌّ

بعدی». ۴۸

۴۲. [۲۹۹۳]. ابن عباس: «علی منی بمنزلة رأی من بدنی». ۴۹

۴۳. [۳۹۹۴]. ابن عباس: «علی خیر البشر. من شكَّ فيه فقد كفر». ۵۰

۴۴. [۳۹۹۷]. انس بن مالک: «علی بن ابی طالب یزهر فی الجنة ککوکب الصبح

لاهل الدنيا». ۵۱

۴۵. [۳۹۹۸]. ابن عباس: «علی بن ابی طالب باب حِطَّة، من دخل منه کان مؤمناً،

و من خرج منه کان کافراً». ۵۲

۴۶. [۳۹۹۹]. حذیفه: «علی قسیم النار». ۵۳

۴۷. [۴۰۰۰]. ابوذر: «علی باب علمي، و مبین لأمتي ما أرسلت به من بعدی. حبه

ایمان و بغضه نفاق، و النظر إليه رافة، و مودته عبادة». ۵۴

پروپگاندہ گاہ علوم انسانی و مطابعات فرہنگی

مجلہ علمی و تحقیقی

۴۵. کنوز الحقایق، ص ۹۷؛ فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۸.

۴۶. مسند الطیالسی، ص ۱۱۱ (ش ۸۲۹)؛ فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۸.

۴۷. فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۸.

۴۸. همان، ص ۸۹.

۴۹. تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۱۲؛ فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۹.

۵۰. فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۹.

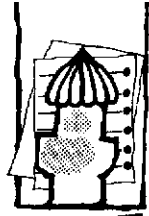
۵۱. فیض القدیر، ج ۴، ص ۳۵۸؛ فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۹۰.

۵۲. فیض القدیر، ج ۴، ص ۳۵۶؛ فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۹.

۵۳. فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۹۰.

۵۴. همان، ص ۹۱.





٤٨ . [٤٠٠١] . حذيفه : «على أخى و ابن عمى» . ٥٥ .

٤٩ . [٤٢٨٠] . ابن مسعود : «فاطمة أحصنت فرجها ، فأدخلها الله و ذريتها

الجنة» . ٥٦ .

٥٠ . [٤٢٨٢] . مسور : «فاطمة بضعة منى ، فمن أغضبها أغضبني ، أو آذاها

آذاني» . ٥٧ .

٥١ . [٤٢٨٣] . ابو سعيد : «فاطمة سيّدة نساء العالمين» . ٥٨ .

٥٢ . [٤٢٨٤] . عمر بن خطاب : «فاطمة و على و الحسن و الحسين فى حظيرة

القدس فى قبة بيضاء ، سقفها عرش الرحمان - عزّ و جلّ» . ٥٩ .

٥٣ . [٤٢٨٨] . على بن ابى طالب [ع] : «فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه» :

إن الله أهبط آدم بالهند و حواء بجدة ، و إبليس ببيسان ، و الحية بأصبهان ، و كان للحية قوائم

كقوائم البعير ، و مكث آدم بالهند مئة سنة باكباً على خطيئته ، حتى بعث الله إليه جبرئيل و

قال : يا آدم ! ألم أخلقك بيدي ؟ ألم انفخ فيك من روحى ؟ ألم أسجد لك ملائكتى ؟ ألم

أزوجك حواء أمتى ؟ قال بلى . قال : فما هذا البكاء ؟ قال : و ما يمنعنى من البكاء و قد

أخرجت من جوار الرحمن ؟ قال : فعليك بهؤلاء الكلمات ؛ فإن الله قابل توبتك و غافر

ذنبك . قل : «اللهم إني أسألك بحق محمد ، سبحانه لا إله إلا أنت ، عملت سوء و

ظلمت نفسى ، فاغفر لى . إنك أنت الغفور الرحيم . اللهم إني أسألك بحق محمد و آل

محمد ، سبحانه لا إله إلا أنت ، عملت سوء و ظلمت نفسى ؛ فثب على إنك أنت التواب

الرحيم» ، فهؤلاء الكلمات التى تلقى آدم» . ٦٠ .

٥٤ . [٤٦٠١] . ابن مسعود : «قولوا فى كل جلسة : التحيات لله و الصلاة و الطيبات ؛

٥٥ . فيض القدير ، ج ٤ ، ص ٣٥٥ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٣ ، ص ٩١ .

٥٦ . فردوس الاخبار ، ج ٣ ، ص ١٦١ .

٥٧ . صحيح البخارى ، ج ٤ ، ص ٢٦ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٣ ، ص ١٦١ .

٥٨ . فردوس الاخبار ، ج ٣ ، ص ١٦٣ .

٥٩ . الدر المنثور ، ج ١ ، ص ٤٦٠ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٣ ، ص ١٦٣ .

٦٠ . صحيح البخارى ، ج ٤ ، ص ١٨٧ ؛ معجم الطبرانى ، ج ٦ ، ص ٥٨١ .



السلام عليك . انّ محمّداً عبده و رسوله . قولوا: اللهم صلّ على محمّد و على آل محمّد، كما صلّيت على إبراهيم، إنّك حميد مجيد» .^{۶۱}

۵۵ . [۴۶۰۲] . ابو حميد ساعدی : «قولوا: اللهم صلّ على محمّد و على أزواجه و ذريّته، كما صلّيت على إبراهيم، إنّك حميد مجيد، و بارك اللهم على محمّد و على آل محمّد، كما باركت على إبراهيم إنّك حميد مجيد» .^{۶۲}

۵۶ . [۴۷۱۳] . أمّ سلمه : «القرآن مع عليّ و عليّ مع القرآن» .^{۶۳}

۵۷ . [۴۸۲۴] . عمر : «كلّ بنى ابي يتمون إلى عصابة ابيهم إلاّ وكد فاطمة، فأتى انا أبوهم و انا عصبتهم» .^{۶۴}

۵۸ . [۴۸۸۴] . سلمان : «كنت انا و عليّ نوراً بين يدي الله - عزّ و جلّ - مطبقاً، يسبح الله ذلك النور و يقدرسه قبل ان يخلق الله آدم باربعة الف عام ؛ فلما خلق الله - عزّ و جلّ - آدم ركبّ ذلك النور في صلبه . فلم نزل في شيء واحد حتّى افترقنا في صلب عبدالمطلب، فجزء انا و جزء عليّ» .^{۶۵}

۵۹ . [۵۰۴۷] . بريده : «لكلّ نبيّ وصى و وارث، وإنّ عليّاً وصيى و وارثي» .^{۶۶}

۶۰ . [۵۱۰۴] . حذيفة بن يمان : «لو علم الناس متي سمى عليّ أمير المؤمنين، ما انكروا فضله ؛ سمى أميراً و آدم بين الروح و الجسد . قال الله - عزّ و جلّ - : «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ : أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟» ، قالت الملائكة :

۶۱ . صحيح البخارى، ج ۱، ص ۲۱۱؛ سنن الترمذى، ج ۲، ص ۸۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۰؛ فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۲۵۲ .

۶۲ . صحيح البخارى، ج ۸، ص ۹۶؛ صحيح مسلم، ج ۲، ص ۱۶؛ سنن ابى داود، ج ۱، ص ۲۵۷؛ فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۲۵۲ .

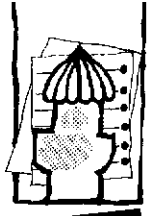
۶۳ . مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۴؛ المعجم الصغير، ج ۱، ص ۲۵۵؛ فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۲۸۶ .

۶۴ . مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۳؛ فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۳۱۴ .

۶۵ . فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۳۳۲ .

۶۶ . همان، ص ۳۸۲ .





بلى ! فقال الله - تبارك و تعالى - : انا ربكم و محمد نبيكم و على اميركم» . ٦٧ .
٦١ . [٥١٣٨] . عمر بن خطاب : «لو ان السموات و الارض و ضِعَتَا فى كفة ، و ايمان

على فى كفة ، لرجح ايمان على» . ٦٨ .

٦٢ . [٥١٧٠] . ام سلمه : «لو لم يُخلَقْ على ، ما كان لفاطمة كفو» . ٦٩ .

٦٣ . [٥١٧٥] . ابن عباس : «لو اجتمع الناس على حب ابن ابي طالب ، لما خلق الله
- عز و جل - النار» . ٧٠ .

٦٤ . [٥٣٧١] . ابو ايوب : «لقد صلت الملائكة على و على على سبع سنين ، و ذلك
انه لم يصل معى رجل غيره» . ٧١ .

٦٥ . [٥٦٨١] . على بن ابي طالب : «من صلى على محمد و على آل محمد ، قضى
الله - عز و جل - له مئة حاجة» . ٧٢ .

٦٦ . [٥٩٨٩] . معاوية بن حنيفة : «من مات و فى قلبه بغض على بن ابي طالب ،
فليمت يهودياً او نصرانياً» . ٧٣ .

٦٧ . [٦٠٩٩] . ابن عباس : «من سب علياً فقد سبى ، و من سبى فقد سب الله ، و
من سب الله ادخله الله نار جهنم و له عذاب عظيم» . ٧٤ .

٦٨ . [٦٧١٠] . جابر بن عبد الله : «مكتوب على باب الجنة : لا اله الا الله ، محمد رسول
الله ، على بن ابي طالب ، اخو رسول الله ، قبل ان يخلق الله السموات و الارض بالفى عام» . ٧٥ .

٦٧ . همان ، ص ٣٩٩ .

٦٨ . همان ، ص ٤٠٨ .

٦٩ . همان ، ص ٤١٨ .

٧٠ . همان ، ص ٤١٩ .

٧١ . همان ، ص ٤٨٢ .

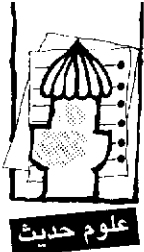
٧٢ . فيض القدير ، ج ٦ ، ص ١٦٩ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٤ ، ص ٦١ .

٧٣ . فردوس الاخبار ، ج ٤ ، ص ١٥٣ .

٧٤ . مسند احمد ، ج ٦ ، ص ٣٢٢ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٤ ، ص ١٨٩ .

٧٥ . حلية الاولياء ، ج ٧ ، ص ٢٥٦ ؛ فردوس الاخبار ، ج ٤ ، ص ٤١٠ .





۶۹. [۶۷۴۰]. حذیفة بن یمان: «مثل علی بن ابی طالب فی الناس، مثل «قل هو»

اللّه أحد»، فی القرآن»^{۷۶}.

۷۰. [۷۰۹۴]. انس بن مالک: «نحن أهل بیت لا یقاس بنا أحد»^{۷۷}.

۷۱. [۷۱۱۷] معاذ بن جبل: «النظر إلى وجه علی عبادة»^{۷۸}.

۷۲. [۱۷۱۸]. عمران بن حصین: «النظر إلى علی بن ابی طالب عبادة»^{۷۹}.

۷۳. [۷۱۳۹]. ابن عمر: «الناس من شجر شتی وأنا وعلی من شجرة واحدة»^{۸۰}.

۷۴. [۷۱۶۶]. علی بن ابی طالب: «النجوم أمان لأهل السماء، فإذا ذهب النجوم

ذهب أهل السماء، وأهل بیتی أمان لأهل الأرض، فإذا ذهب أهل بیتی، ذهب أهل

الأرض»^{۸۱}.

۷۵. [۸۲۸۳]. ابوبکر: «یا أبا بکر! کفی وکف علی فی العدل سواء»^{۸۲}.

۶۷. [۸۳۰۸]. عمر بن خطاب: «یا علی! أنت أول إسلاماً، وأنت أول المؤمنین

ایماناً. أنت متی بمنزلة هارون من موسى»^{۸۳}.

۷۷. [۸۳۰۹]. علی بن ابی طالب [ع]: «یا علی! إنما أنت بمنزلة الكعبة، تؤتی و

لا تاتی؛ فإن أتاك هؤلاء القوم، فمکنوا لک هذا الأمر، فاقبله منهم؛ فإن لم یأتوك فلا

تأتهم»^{۸۴}.

۷۸. [۸۳۱۲]. معاوية بن حیده: «[یا علی!] ما كنت [أبالی] من مات من امتی وهو

۷۶. فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۴۲۳.

۷۷. كنوز الحقائق، ج ۲، ص ۱۲۹؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۳۴.

۷۸. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۲.

۷۹. فیض القدير، ج ۶، ص ۲۹۹؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۲.

۸۰. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۹.

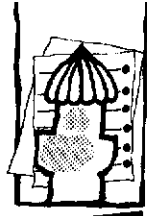
۸۱. صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۶۱؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۵۶.

۸۲. كنوز الحقائق، ج ۲، ص ۱۸۶؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۳۹۹.

۸۳. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۰۷.

۸۴. همان جا.





یبغضک، مات یهودیاً او نصرانیاً». ۸۵.

۷۹. [۸۳۱۳]. سلمان فارسی: «یا علی! محبک محبی، و مبغضک مبغضی». ۸۶.

۸۰. [۸۳۱۵]. علی بن ابی طالب: «یا علی! إن فیک مثل عیسی بن مریم، أبغضته

اليهود، حتی بهتت أمه؛ فاحبته النصارى، حتی أنزلوه بمنزلة التي ليس بها». ۸۷.

۸۱. [۸۳۱۶]. ابن عباس: «یا علی! إن الله - عزّ و جلّ - زوجک فاطمة و جعل

صداقها الأرض، فمن مشى عليها مبغضاً لك يمشى حراماً». ۸۸.

۸۲. [۸۳۱۷]. عمّار بن یاسر: «یا علی! إن الله زينک بزينة لم تتزين الخلائق بزينة

هي أحب إلى الله منها: الزهد في الدنيا، و جعل الدنيا لا تنال منك شيئاً». ۸۹.

۸۳. [۸۳۱۸]. علی بن ابی طالب: «یا علی! إن لك في الجنة كنزاً و أنك ذو قرنيها». ۹۰.

۸۴. [۸۳۱۹]. علی [ع]: «یا علی! لا يبغضک من الرجال إلا منافق و لا يبغضک من

النساء إلا السلقق». ۹۱.

وهی التي تحيض من دبرها.



عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
مَوْلَانَا



۸۵. همان جا.

۸۶. همان جا.

۸۷. همان جا.

۸۸. همان، ص ۴۰۹.

۸۹. همان جا.

۹۰. سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۲۴۶.

۹۱. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۱۰.